

فقه و هنر نمایش

حوزه های علمیه وظیفه دارند گیرها و دشواریهای فقهی این گونه هنرها را با بهره گیری از اصول و قواعد فقهی، به بوته بررسی نهند و دستاورد این کندوکاو را در اختیار جامعه اسلامی و هنرمندان قرار دهند.



حوزه های علمیه وظیفه دارند گیرها و دشواریهای فقهی این گونه هنرها را با بهره گیری از اصول و قواعد فقهی، به بوته بررسی نهند و دستاورد این کندوکاو را در اختیار جامعه اسلامی و هنرمندان قرار دهند.

گرایش به هنر، با سرشت انسان در آمیخته و شاخه های گوناگون آن، با انسان تولد یافته و رشد کرده است. انسان، به گونه فطری، شیفته هنر است و از دیدن کارهای هنری، لذت می برد. در بین شاخه های هنر، هنرهای نمایشی، گیرایی ویژه ای دارند. این هنر، در شکل جدید آن، در دوران غربت اسلام، وارد کشور ما شد و ابزاری شد در خدمت مخالفان پاگیری ارزشهای اسلامی. پس از انقلاب اسلامی، این هنر نیز، از بند اسارت رهایی یافت و در خدمت ارزشهای اسلامی قرار گرفت. بسیاری از هنرمندان، از خدمت به نظام ستمشاهی و مبارزه با ارزشهای اصیل اسلامی، سرباز زدند و به دامن اسلام و انقلاب اسلامی برگشتند و همگام با هنرمندان متعهد، به پی ریزی هنر مکتبی همت گماردند. لکن این تلاشها، به خاطر روشن نبودن چهارچوب هنر مکتبی و ناآگاهی شماری از کارگردانان و کارورزان، از معیارهای اسلامی، فیلمها و نمایشهایی روی صحنه آمد که با موازین اسلامی سازگاری نداشتند. امروز که استکبار جهانی، با تمام توان، به تهاجم فرهنگی علیه ارزشهای اصیل اسلامی ما دست یازیده، وظیفه هنرمندان و کارورزان، حساس تر، پیچیده تر و سنگین تر شده است، زیرا آسان انگاری در این زمینه، نه تنها این هنر را در مسیر خنثی سازی تهاجم فرهنگی دشمن، بی رمق می کند، بلکه گاهی همسوی با آن قرار خواهد داد.

در این میدان، حوزه های علمیه نیز، وظیفه دارند گیرها و دشواریهای فقهی این گونه هنرها را، با بهره گیری از اصول و قواعد فقهی، به بوته بررسی نهند و دستاورد این کندوکاو را در اختیار جامعه اسلامی و هنرمندان قرار دهند، تا از نگرانی فرو افتادن در گناه، به در آیند. در هنرهای نمایشی، چهار عنصر، نقش دارند: 1. موضوع. 2. پیام. 3. چهارچوب. 4. هنرمند.

مکتبی بودن هنر، ایجاب می کند که همه این عناصر، با موازین شرعی و معیارهای اسلامی، سازگار باشند. هنرمندان مکتبی، نسبت به هر يك از این عناصر، پرسشهایی دارند که بخشی از آنها به فقها مربوط می شود که باید پاسخ دهند. ولی، افسوس تاکنون، پاسخی در خور از سوی فقیهان در نیافته اند و تحقیقی روشنگر و راهگشا، به آنان عرضه نشده است. آنچه پیش روی دارید تلاشی است در این راستا، به امید آنکه مفید افتد و اصحاب هنر را به کار آید. (فصلنامه فقه کاوشی نو در فقه اسلامی، تابستان و پاییز 1374، شماره 4، صفحه 285)

پرسشهای فقهی هنر نمایش، بسیارند، ولی ما در این مقال، به اندازه توان، به پاره ای از پرسشهایی که مربوط به چهارچوب و چگونگی اجرا می شوند پاسخ می دهیم و در پایان، به اختصار، درباره موضوع و محتوای هنر نمایش، بحث خواهیم کرد.

1. احکام فقهی زنان و مردان بازیگر: در این مقام، دو پرسش وجود دارد: الف. همانند شدن مردان به زنان و به عکس در هنگام نمایش؛ ب. رابطه زنان و مردان در هنگام نمایش.

در پرسش نخست، سخن در این است که آیا زن و مرد می توانند به جای یکدیگر نقش بازی کنند؟ اگر می توانند، چنین نقشی را بازی کنند، آیا اجازه دارند برای طبیعی جلوه دادن صحنه، مردان لباس زنان را بپوشند و زنان لباس مردان را و چهره خود را با گریم تغییر دهند و صدای جنس مخالف را دربیاورند؟

در پرسش دوم، سخن در این است که در بسیاری از نمایشها و فیلمها، گاه بازی، به ناگزیر بسیاری از حدّ و مرزها که باید نگه داشته شوند، در هم می شکنند، در گفتگوها، بر خوردها، نگاهها، اشاره ها، نشستنها و برخاستنها آنچه را که زن مسلمان و مرد مسلمان در حوزه بیرون نمایش و بازیگری، باید پاس بدارد و از نظر شرع به آنها گردن نهد، در حوزه نمایش، این گونه می نماید که پاس نمی دارد. آیا این رفتارها، از دیدگاه شرع می تواند درست باشد. یا خیر؟

بازیگری زنان و مردان در نقش یکدیگر:

اسلام، برای دستورهای بازدارنده و وادارنده خود، معیارها و دلیلهای خردپسندانه دارد. بگذریم از بعضی احکام که ما دلیل حکم را به روشنی نمی دانیم که این، بیشتر در مسائل عبادی نمود دارد، ولی در مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، داد و ستدها، روابط و... آنچه را اسلام دستور انجام داده و آنچه را بازداشته، دلیل روشنی برای آنها بیان داشته است.

در بسیاری از رسما و آداب اجتماعی و... که پیش از اسلام رواج داشته، پس از اسلام، نه از سوی اسلام که از سوی فرهنگها و اقوام دیگر در جامعه های اسلامی پدید آمده و وارد شده، اسلام واقع بینانه بدانها نظر کرده است. میزان و معیار به دست پیروان خود داده است. به پیروان خود، تعلیم داده، آن رسم و آیینی که انسان را از مدار حق خارج نمی سازد، حق و حقوقی از دیگران از بین نمی برد، هتک حرمتی نمی کند، فساد نمی انگیزد، تخدیر اندیشه نمی کند، جامعه را بی تفاوت بار نمی آورد و... انجام آن، منعی ندارد و آن رسم و آیینی که با ارزشها، ناسازگاری دارد و انسان مسلمان را از مدار حق، خارج می سازد، در دید اسلام مردود خواهد بود و انجام آن حرام.

حضرت امیر(ع) می فرماید: «آیین پسندیده ای را بر هم مریز که بزرگان امت بدان رفتار کرده اند و مردم بدان وسیلت به هم پیوسته اند و رعیت با یکدیگر سازش کرده اند و آیینی را منه که چیزی از سنتهای نیک گذشته را زیان رساند، تا پاداش از آن نهنده سنت با شد و گناه شکستن آن، بر تو ماند». (نامه 53 نهج البلاغه)

در هنر نمایش، براساس این اصل، اگر بازیگری زن در نقش مرد و یا مرد در نقش زن، به ارزشها لطمه وارد می آورد و فساد بر می انگیزد و مردمان را به سوی تباهی می کشاند و به باروی پاک دامنی، که جایگاه ارزشی والادارد و از ارکان جامعه سالم است، خدشه ای وارد می آورد، بی شک، اسلام با آن برخورد می کند و پیروان خود را از انجام این گونه کارها، باز می دارد.

اما اگر، حافظ ارزشها باشد و مردمان را به پاسداری از عفت و پاکدامنی فرا بخواند و در راه اعتلای فکر و شعور جامعه نقش داشته باشد و در عمق بخشیدن به فرهنگ خودی کمک کند، از دید اسلام، نه تنها منعی نخواهد داشت که اسلام، تشویق کننده به انجام این گونه کارهاست.

نویسنده: یعقوبعلی برجی
منبع: روزنامه رسالت